

حکومتداری خوب و قانون اساسی افغانستان

مرتضی محقی

چکیده

حکومتداری خوب درباره فرآیندهای تصمیم‌گیری بحث می‌نماید. فرایندهای تصمیم‌گیری خوب و در نتیجه حکومتداری خوب، تاثیرات مختلفی را به جا می‌گذارند. این تاثیرات مثبت بر جنبه‌های گوناگون دولت از جمله سیاست‌ها و شیوه‌های مشاوره، روال جلسات، کیفیت خدمات، توضیح نقش و روابط خوب وارد شده و باعث اقتدار حکومت می‌شود. مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های دولتی از شاخصه‌های حکومتداری خوب در سطح جهان به حساب می‌رود. این مقاله تلاش دارد با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن تبیین مفهوم و مؤلفه‌های حکمرانی خوب، آن را در قانون اساسی افغانستان مورد واکاوی قرار دهد. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی خوب به گونه‌ای در قانون اساسی افغانستان مورد تاکید بسیاری بوده است و در عرصه عمل نیز شاهد فراز و نشیب این شاخص‌ها هستیم. اما تحقق مؤلفه‌های حکمرانی خوب حکایت از آن دارد که پیاده سازی آن مستلزم تلاش بیشتر در کشور است.

واژگان کلیدی: حکومتداری خوب، مشارکت همگانی، قانون اساسی افغانستان.

حکومتداری، در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم کمتر استفاده شده ولی در طول دهه ۱۹۸۰ با مفهومی جدید ظهور کرده است که به چیزی فراتر از حکومت اشاره دارد. با اینکه حکومتداری به فرآیندها و بازیگرانی خارج از ساحت محدود حکومت ارجاع می‌دهد اما هنوز به نظر می‌رسد مفهوم مشترکی از آن بیان نشده است. اصطلاح حکومتداری در حوزه‌های مختلفی هم‌چون اقتصاد، فرهنگ، جغرافیا و علوم سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی، اندیشمندان سیاسی از این اصطلاح برای متمایز کردن آن از واژه حکومت استفاده کرده‌اند که شامل بازیگران جامعه مدنی نیز می‌شود. حکومتداری، اشاره دارد به خویش‌فرمایی، شبکه سازماندهی داخلی با ویژگی استقلال، مبادله منابع، قواعد بازی، خودمختاری قابل توجه در مقابل دولت. همچنین، حکومت‌داری یعنی اداره کردن قواعد سیاسی رسمی یا غیررسمی یک بازی. حکومتداری اشاره دارد به آن معیارهایی که شامل وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل و فصل تعارضات در چهارچوب آن قواعد است.

کاربرد جدید واژه حکومتداری فقط شامل بازیگران و نهادهای «دولت» نمی‌شود. همه این تعاریف، به نقش شبکه‌ها در تعقیب اهداف مشترک متمرکز شده‌اند که ممکن است درون حکومتی یا درون سازمانی یا فراملی باشند و یا می‌توانند شبکه‌هایی برای اعتمادسازی و ایجاد روابط متقابل و متقاطع میان دولت و جامعه باشند.

۱- مفهوم حکومت‌رانی خوب^۱

واژه حکومتداری، واژه جدیدی است که به جای واژه قدیمی «دولت» معنا و مفهوم بکار می‌رود. بانک جهانی حکومتداری را به صورت ذیل تعریف می‌کند: «روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود». (مبارک، آذربایوند؛ ۱۳۸۸: ۱۴)

^۱. Good Governance.

اساس یک تعریف حکومتداری خوب عبارت است از نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، خصوصی و مدنی مدیریت می‌کند. (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۱۱)

موضوع حکومتداری خوب با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده است که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌شود. در واقع تصور بر این است همه این امور با حکومتداری خوب محقق می‌شود. (قلی‌پور، ۱۳۹۳: ۵۸).

۲- شاخص‌های حکومتداری خوب

برای آن‌که مفهوم و ابعاد حکومتداری خوب بهتر روشن شود، مناسب است شاخص‌های آن را مرور کنیم. البته این شاخص‌ها در متون مختلف، هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ نام، متفاوت ذکر شده است. ما در اینجا می‌کوشیم به حاصل نتیجه آنها اشاره کنیم. بر اساس سندی که در سال ۲۰۰۶ بانک جهانی توسط کافمن^۱ کری^۲ و ماسترازی^۳ انتشار داده، حکومتداری خوب شش شاخص دارد.^۴

۲-۱- پاسخ‌گویی و حق اظهارنظر^۵

مقصود از این شاخص میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی است. این شاخص همچنین بیانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکل‌ها و اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی است. بر اساس این شاخص هرچه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیئت حاکمه داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکل‌ها و انجمن‌ها و نظایر آنها در جامعه بیشتر باشد و رسانه‌های جمعی و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را بیان کنند، نشان‌دهنده وضعیت بهتری از حکومتداری خوب است. (نادری، ۱۳۹۰: ۷۶)

^۱. Kaufmann.

^۲. Kraay.

^۳. Mastruzzi.

^۴. www.worldbank.org/wbi/governance.

^۵. Voice and accountability.

۲-۲- ثبات سیاسی و نبود خشونت^۱

این شاخص بیانگر آن است که چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیر قانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد. در اینجا عواملی همچون تروریسم و خشونت‌های سیاسی مد نظر هستند. بر اساس این شاخص، هرچه احتمال نبودن ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان‌دهنده حکومتداری ضعیف است و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکومتداری خوب امتیاز بالاتری را کسب می‌کند.

۲-۳- اثربخشی دولت^۲

در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آنها از فشارهای سیاسی مد نظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط مشی‌های عمومی و دولتی، و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد. در نتیجه هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌ها و خط و ربط‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آنها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکومتداری خوب است.

۲-۴- کیفیت تنظیم‌کنندگی^۳

منظور از این شاخص، توان‌مندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات و نظاماتی است که سبب گسترش نفوذ و دامنه فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. هرچه دولت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌ها و نظامات مختلف، موجبات توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن بر اداره جامعه را فراهم آورد، شاهد سطح بالاتری از حکومتداری خواهیم بود.

^۱. Political stability and absence of violence.

^۲. Government effectiveness

^۳. Regulatory quality.

۲-۵- حاکمیت قانون^۱

اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و می‌توان به اجرای آنها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می‌شود. در این شاخص به ویژه کیفیت اجرای قراردادها، عملکرد پولیس و محاکم قضایی، و همچنین میزان احتمال جرم و خشونت در یک جامعه مدنظر است. اگر پس از انعقاد یک قرارداد نتوان چندان به اجرای آن امید داشت و جرم و تخلف به سبب عملکرد ضعیف پولیس و محاکم قضایی قابل پی‌گیری نباشد نشان‌دهنده وجود حکومتداری ضعیف در یک کشور است.

۲-۶- مهار فساد^۲

آنچه در این شاخص مدنظر قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوء استفاده و در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد. این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را شامل می‌شود. بر اساس این شاخص هرچه نظام سیاسی و دولت در تسخیر نخبگان و در خدمت منافع خصوصی باشد، نشان حکومتداری ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه بالاتری از حکومتداری خوب است.

۳- حکومتداری خوب در اسناد و مجامع بین‌المللی

۳-۱- مفهوم «حکومتداری خوب» اصولاً در منشور سازمان ملل و حقوق بین‌الملل ایجاد شده در سایه حمایت سازمان ملل، ریشه دارد. با این همه رویکرد حقوق بشری و حق بنیاد به توسعه مفهومی است که به‌ویژه در چند دهه اخیر به مرور در اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی مختلف گسترش یافته است و بدین ترتیب اصول و ضوابط حقوق بشری در طرح‌ها، سیاست‌ها و اهداف توسعه مورد تاکید قرار می‌گیرد. اعلامیه اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی ۱۹۹۵ اعلام می‌دارد: «دموکراسی، حکومتداری و مدیریت شفاف و پاسخگو در

^۱. Rule of law.

^۲. Control of corruption.

همه بخش‌های جامعه، بنیان حیاتی و ناگزیر برای واقعیت بخشیدن به توسعه پایدار اجتماعی و مردمی است.»

حکومتداری خوب هم‌چنین شرط اساسی دستیابی به «اهداف توسعه هزاره» است. این اهداف هشت گانه برای دستیابی به توسعه و کاهش فقر که امید می‌رود تا سال ۲۰۱۵ تحقق یابند عبارتند از: ریشه کنی فقر شدید و گرسنگی، تحقق آموزش ابتدایی همگانی، ترویج برابری جنسیتی و توانمندی زنان، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، بهبود بهداشت مادران، مبارزه با ایدز و ویروس HIV، مالاریا و دیگر امراض، تضمین حفاظت محیط زیست، توسعه مشارکت جهانی برای توسعه اعلامیه هزاره ملل متحد در اجلاس هزاره به تصویب رسید که از ۶ تا ۸ سپتامبر ۲۰۰۰ در نیویورک تشکیل شد. این اعلامیه ابتدا بر ارزشهای بنیادین در روابط بین‌المللی تاکید نموده است که شامل آزادی، برابری، همبستگی، بردباری، احترام به طبیعت و مسئولیت مشترک است، سپس در بیان مفهوم آزادی و برابری به عنوان دو ارزش بنیادین می‌افزاید:

آزادی: مردان و زنان حق دارند به دلخواه خود زندگی کنند و کودکان خود را با شرف و منزلت انسانی رها از گرسنگی و بیم از خشونت، سرکوبی یا بی‌عدالتی پرورش دهند. حکومت‌های مردم‌سالار و مشارکتی بر مبنای اراده مردم، این حقوق را به بهترین وجه تامین می‌کنند.

برابری: امکان بهره‌مندی از توسعه از هیچ فرد و ملتی نباید دریغ شود و حقوق و امکانات برابر مردان و زنان باید تضمین گردد.^۱ هم‌چنین کمیسیون حقوق سازمان ملل طی قطعنامه‌ای^۲ به بیان ویژگیهای اساسی حکومتداری خوب پرداخته است که عبارت از: شفافیت^۳، مسئولیت^۴، پاسخگویی^۵، مشارکت^۶، حاکمیت قانون^۷ و انعطاف‌پذیری^۸.

^۱. اعلامیه هزاره ملل متحد، اجلاس هزاره، نیویورک ۶-۸ سپتامبر ۲۰۰۰.

^۲. قطعنامه (Resolution ۲۰۰۰/۷۲) نیز ضمن تاکید بر قطعنامه قبلی خود، حکومتداری مطلوب را به معنی مشارکت بیشتر توأم با پاسخگویی افزون‌تر معرفی کرده است.

^۳. Transparency.

^۴. Responsibility.

^۵. Accountability.

^۶. Participation.

^۷. The rule of law.

^۸. Responsiveness.

۲-۳- دبیر کل سازمان ملل در کنفرانس بین المللی «حکومتداری برای رشد پایدار و عدالت» در سال ۱۹۹۷ این گونه اظهار نظر کرده است: « معضل فعلی علم سیاست، باز تعریف نقش دولت است. این باور به طور فزاینده تقویت می شود که کارکرد اصلی دولت فراهم آوردن محیطی توانمندساز است که در آن سرمایه گذاری محقق شود، ثروت پدید آید و افراد بتوانند شکوفا شوند و رشد کنند. بدین ترتیب جامعه مدنی می تواند تشکیل و نمایان شود و افراد را در تصمیم گیری موثر برای زندگی شان درگیر کند.» او ادامه می دهد: « حکومتداری خوب و توسعه پایدار تفکیک ناپذیر هستند. این درسی است که ما از همه تلاشها و تجربیات خود در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین گرفته ایم. بدون حکومتداری خوب- یعنی بدون حاکمیت قانون، مدیریت قابل پیش بینی، قدرت مشروع و مقررات گذاری منعطف- تخصیص بودجه و هزینه و دریافت کمکهای مالی با هر مبلغی نمی تواند ما در مسیر رفاه و بهروزی قرار دهد.

۳-۳- UNDP نیز در همین زمینه در کنفرانس بین المللی «حکومتداری برای رشد پایدار و عدالت» سال ۱۹۹۷ می گوید: «توسعه انسانی پایدار بیش از هر چیزی «مردم محور» است. چنین توسعه ای مردم را در اولویت قرار می دهد. این توسعه باید نیازهای اولیه آنها را تامین کند و از جمله نیاز به خود اتکایی و خودباوری و افزایش فرصتها، از قبیل فرصت داشتن زندگی طولانی و سالم، فرصت تحصیل و داشتن منابع لازم برای دستیابی به استانداردهای تحصیل و داشتن منابع لازم برای دستیابی به استانداردهای یک زندگی شایسته. چنین توسعه ای موقعیت زنان را ارتقا می دهد، به جای اینکه موجب تبعیض نسبت به آنها گردد. چنین توسعه ای در خلا سیاسی رخ نمی دهد. این توسعه وابسته به حکومتداری خوب و توانمندسازی بسیاری از اجتماعات در جامعه مدنی به منظور مشارکت در تصمیم گیریهای است که در زندگی آنها تاثیر می گذارد. (UNDP, ۱۲۲۴: ۲۹۹۷)

اصول بنیادین حکومتداری، جهانی هستند. این اصول شامل احترام به حقوق بشر و حقوق زنان، رعایت اصل حاکمیت قانون، فضای باز سیاسی، مشارکت، مدارا و بردباری، پاسخگویی و شفافیت، قابلیت و کارآمدی اداری و دیوان سالارانه است. حکومتداری خوب نه فقط مؤسسات بخش سیاسی و عمومی را شامل می شود بلکه مستلزم مشارکت و تعامل بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی است. بخش خصوصی

ظرفیت منحصر به فردی برای ایجاد شغل و تولید ثروت دارد. وجود یک محیط توانمندساز برای اثربخش کردن عملکرد آن ضروری است. رونق جامعه مدنی برای ایجاد یک حکومتداری پرتحرک، خلاق و مسئول اجتناب‌ناپذیر است. (هداوند، ۱۳۸۴: ۵۱)

۴- ارزیابی مؤلفه های حکمرانی خوب در قانون اساسی افغانستان

حکمرانی خوب نمیتواند یک نسخه استاندارد باشد. در اینجا الگوی یک ساینز، اندازه همه مطلوب نیست چرا که حکمرانی خوب در کشورهای مختلف بایستی براساس اوضاع و احوال و شرایط فرهنگی آنها باشد. به هر حال اصول بنیادین حکمرانی خوب، جهانی و همگانی است. در ذیل به ارزیابی کاربرد مؤلفه های حکمرانی خوب در قانون اساسی افغانستان پرداخته می‌شود.

۴-۱- حاکمیت قانون

در ساده ترین بیان، حاکمیت قانون یعنی انجام هر عملی مطابق قانون باشد. تساوی و برابری افراد در برابر قانون یکی از ابزارهای حاکمیت قانون می باشد. یکی از دیدگاه های حاکم در حقوق اساسی مدرن که تقریباً تمامی صاحب نظران حقوق و علوم سیاسی بر آن اجماع دارند، اصل حاکمیت قانون است. (مرکز مالگیری، ۱۳۸۵: ۶) پیشینه اصل محدودیت حکمرانان را می توان از زمان ارسطو یاد کرد. (Rose, 2004: 457) در قانون اساسی افغانستان بر این اصل تاکید اساسی شده است. ماده ۲۲: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است».

از جمله مبانی حاکمیت قانون، شناخت مسئولیت زمامداران در صورت تخطی از قوانین میباشد که در اصول متعددی به آن اشاره شده است؛ مثلاً در ماده ۶۹: «رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق به احکام این ماده مسئول می باشد» در خصوص مسئولیت سیاسی رئیس جمهور در برابر ملت، توجه شده است.

مسئولیت سیاسی وزیران نیز در ماده ۷۷: «وزرا وظایف خود را به حیث آمرین واحدهای اداری در داخل حدودی که این قانون اساسی و سایر قوانین تعیین می کند، اجرا می نمایند. وزرا از وظایف مشخصه خود نزد رئیس جمهور و ولسی جرگه مسئولیت دارند.» و مسئولیت کیفری آنان در ماده ۷۸: «هرگاه وزیر به ارتکاب

جرایم ضد بشری، خیانت ملی و یا سایر جرایم متهم گردد، قضیه با رعایت ماده یکصد و سی و چهارم این قانون اساسی به محکمه خاص محول میگردد» مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۱۰۲ قانون اساسی افغانستان مسئولیت جزایی وکلای ملت را بیان می کند: «هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود، مأمور مسئول از موضوع به مجلسی که متهم عضو آن است اطلاع می دهد و متهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می تواند. در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می تواند متهم را بدون اجازه مجلسی که او عضو آن می باشد تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید.»

همچنین ماده ۱۲۹ در خصوص مسئولیت حقوقی محکمه در صدور رای و ماده ۳۳ در رابطه با مسئولیت کیفری و اداری آنان در صورت ارتکاب جرم یا تخلف نیز جالب توجه است.

ماده قانون اساسی افغانستان ۱۲۹: «محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می نماید در فیصله ذکر کند.»

ماده قانون اساسی افغانستان ۱۳۳: «هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می شود.»

۴-۲- امنیت

امنیت افراد انسانی در جلوه های مختلف مادی و معنوی قابل تصور می باشید که قانون اساسی ضرورت احترام به آنها مکرراً مورد تاکید قرار داده است.

ماده ۲۴ قانون اساسی افغانستان: «آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.»

همچنین امنیت حقوقی مانند تامین آزادی بیان در ماده ۳۴: آزادی بیان از تعرض مصون است، مورد حمایت قرار گرفته است.

۴-۳- نظارت و کنترل پذیری

در ارتباط با نظارت قوه قضائیه بر سایر قوا، ماده ۱۲۱ قانون اساسی افغانستان مقرر می دارد: «بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد.»

شورای ملی دارای صلاحیتهای ذیل برای نظارت و کنترل پذیری میباشد: ماده ۹۰: «تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی؛ تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه»

۴-۴- مشارکت

مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خود یکی از اصول بنیادین حقوق عمومی محسوب میشود.

مشارکت سیاسی شهروندان در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری و اجرای آن، شامل فعالیت شهروندان به صورت نماینده مردم یا یک مقام حکومتی و یا یک شهروند عادی می شود. (۴۶۰: ۱۹۹۲، GBP)

مشارکت از راه انتخابات (ماده ۳۳)^۱، مشارکت در تشکیل جمعیتها و عضویت در آنها (ماده ۳۵)^۲، مشارکت شهروندان در فعالیتهای اقتصادی (ماده ۱۰)^۳، در نهایت مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری از طریق همه پرسی (مواد ۱۱۰ و ۱۱۱)

^۱ ماده ۳۳: اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند.

^۲ ماده ۳۵: اتباع افغانستان حق دارند، به منظور تامین مقاصد مادی و یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیتها تاسیس نمایند.

^۳ ماده ۱۰: دولت، سرمایه گزارها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن ها را تضمین می نماید.

نتیجه گیری

اصطلاح «حکومتداری خوب» از دهه ۱۹۹۰ به این سو، به طور اساسی مورد توجه صاحب نظران و اندیشمندان قرار گرفته است. حکومتداری خوب در نقطه مقابل حکومتداری بد طرح شده و به اعمال حاکمیت و مدیریت بر مبنای شاخص هایی همچون: تعامل دو سویه حکومت با شهروندان، گروه ها و تشکلات اجتماعی و مدنی، مشارکت دادن آنها در فرآیند تصمیم سازی و تصمیم گیری ها، حاکمیت قانون، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، فسادناپذیری حکومت، گسترش عدالت و مانند آن اطلاق می شود.

قانون اساسی عالیترین سند حقوقی یک کشور است که اصول سیاسی، ساختار، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت را تعیین می کند و تضمین کننده حقوق شهروندان می باشد. به مفهوم دیگر، این هنجار برتر، کیفیت و چگونگی اداره کشور را معین می کند و با بررسی آن در حوزه نظر و عمل میتوانیم به خوبی معین کنیم که مؤلفه های حکمرانی خوب به چه میزان کاربردی شده است. به نظر می رسد هر یک از شاخصه های حکمرانی خوب به نحوی در قانون اساسی افغانستان مورد تاکید بسیار قرار گرفته است.

منابع

- ۱- قلی پور، رحمت الله؛ (۱۳۸۶)، تحلیل رابطه حکمرانی خوب و فساد اداری، فرهنگ مدیریت، ش ۱۰.
 - ۲- قلی پور، رحمت الله؛ (۱۳۹۳)، تحلیل و امکان سنجی الگوی حکمرانی خوب با تاکید بر نقش دولت، دانش مدیریت، ش ۷۶.
 - ۳- مبارک، آذریبوند؛ (۱۳۸۸)، نگاهی به شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال نهم، ش ۳۶.
 - ۴- مرکز مالیری، احمد (۱۹۹۱) حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشتها. تهران: مرکز پژوهش های مجلس.
 - ۵- نادری، محمد مهدی، (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب معرفی و نقدی اجمالی، اسلام و پژوهش های مدیریتی، ش ۱.
 - ۶- هداوند، مهدی، (۱۳۸۴)، حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر، ش ۴.
- ۷- GBP. (۱۹۹۲). "Political Participation". The Blackwell encyclopedia of political science, edited by Vernon bogdanov, Blackwell.
- ۸- Rose, J. (۲۰۰۴). "The Rule of Law in the western world: an overview". Journal of social philosophy. Vol.۳۵.No.۴.
- ۹- UNDP, GOVERNANCE FOR SUSTAINABLE GROWTH AND EQUITY, NEW YORK, ۲۸-۳۰ JULY ۱۹۹۷.